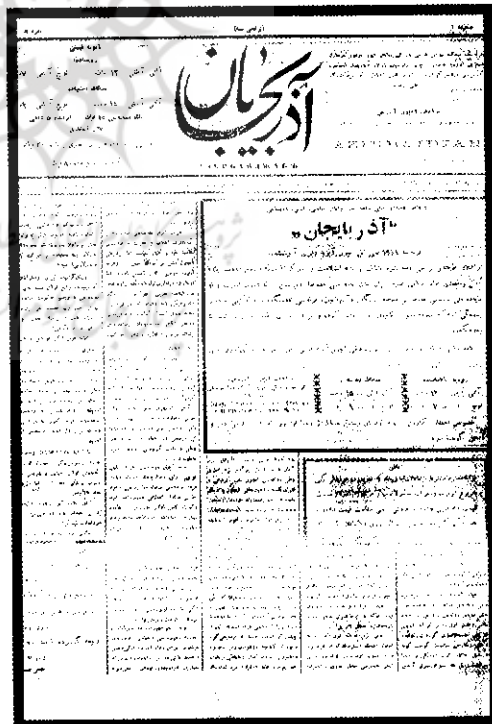


آشنایی با روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران» و فهرست مطالب آن

◆ سیدعلی اصغر موسوی عبادی

روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران» جریده‌ای سیاسی، ادبی و اجتماعی که به دو زبان فارسی و ترکی در باکو هفته‌ای دو شماره منتشر می‌شود. ناشر این مجله حزب دموکرات ایران بود و سردبیری آن را «ف. علیقلی زاده» برعهده داشت. شماره نخست آن در ۲۷ ربیع‌الآخر ۱۳۳۶ ق/ دهم فوریه ۱۹۱۸ انتشار یافت و پس از ۱۳ شماره در ۱۶ جمادى الثانی ۱۳۳۶ / ۲۹ مارس ۱۹۱۸ انتشارش متوقف شد.

در صفحه اول هر شماره داخل کادر این جملات به زبان ترکی درج گردیده است: «از طرف ایرانیان اولین بار انتشار روزنامه با مرام و مسلک اسلامی و دموکراتیک شروع شده و تنها آمل و آرزویش دعوت به



نمونه‌ای از صفحه اول روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران»

وحدت و یکپارچگی جهان اسلام بخصوص ملت نجیب ایران است. و برای دفاع از حقوق ملی و سیاسی آنان روزنامه آذربایجان در آینده به ملت خدمت خواهد کرد، البته که معلوم خواهد بود که این روزنامه در باکو و ایران از نویسندگان مقتدر نیز بهره خواهد جست.

از آن جایی که رهبران حزب دموکرات ایران بیشتر آموزگار و از کسبه خوشنام ایران بودند و ایرانیان ساکن باکو شناخت و اعتماد فراوان به آنها داشتند، آن حزب در مدت زمانی کوتاه گروه زیادی از مهاجرین ایرانی را جذب و سازماندهی کرد.^(۱)

اساس این سازمان در حدود سال‌های نخستین جنگ جهانی اول ریخته شده بود یعنی زمانی که محمدعلی تربیت مدیریت مدرسه اتحاد ایرانیان را به عهده داشت. وی با همکاری میرزا محمودخان پرورش و میرزا عبدالله عبداللهزاده و چند نفر دیگر شالوده این تشکیلات را بنیان نهاد، اما سازمان تنها پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و از هم پاشیدن ترارسم بود که توانست ابراز وجود کند. میرجعفر جوادزاده (پیشه‌وری) یکی از اعضای شناخته شده این حزب بوده که مقالات فراوانی در روزنامه آذربایجان به قلم ایشان می‌باشد.^(۲)

پیشه‌وری کار مطبوعاتی خود را از سال ۱۹۱۷ و همزمان با انقلاب روسیه آغاز کرد و بانگارش مقالاتی در نشریه آچیق سوز (حرف بی‌پرده)، ارگان حزب مساوات در باکو، آغاز کرد و سپس با روزنامه آذربایجان جزء لاینفک ایران، به همکاری پرداخت. رهبری اصلی این حزب در شهر تبریز قرار داشت و شیخ محمد خیابانی لیدر آن محسوب می‌شد. حزب دموکرات باکو که روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران» را منتشر می‌نمود در واقع کمیته‌ای از آن حزب بود.

روزنامه مورد بحث که اضافه شدن عبارت «جزء لاینفک ایران» به آذربایجان مفهوم خاصی به آن می‌داد، تأکیدی بود بر مهر و علاقه ایرانیان خارج از کشور به ایران.

رهبری حزب دموکرات آذربایجان برای تبلیغ و گسترش دیدگاه و نظریاتش این روزنامه را منتشر کرد و نام آن پاسخی بود به تبلیغات پان‌ترکیستی حزب مساوات و متحدان عثمانی آنها که خواستار تجزیه آذربایجان بودند.

در شماره نخست این روزنامه ۱۳ شماره‌ای درباره خط و مشی و اهداف این روزنامه چنین آمده است:

«این روزنامه می‌خواهد کارگران و کسبه را به اقتضای عصر، معاصر کرده و در میان آنها به دایره علم و معارف توسعه دهد، بلکه بر آن است تا به واسطه چاره‌جویی و گشودن راه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به ثروتمند شدن فقرا و مقتدر شدن ضعیفا کمک نماید.»

سلام‌الله جاوید می‌نویسد: «در آن تاریخ، سال ۱۹۱۹، حزب مساوات و دولت آذربایجان چشم طمع به آذربایجان ایران دوخته بود و در این راستا تبلیغ می‌کرد. ایرانی‌ها هم با این کار

مخالفت می کردند. «^(۳) ناگفته نماند که در زمان انتشار روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران» [از ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۶ / ۱۰ فوریه ۱۹۱۸ / ۲۱ بهمن ۱۲۹۶ تا ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۶ / ۲۹ مارس ۱۹۱۸ / ۸ فروردین ۱۲۹۷] هنوز حزب مساوات به قدرت نرسیده و موجودیت جمهوری آذربایجان نیز که در ۲۸ مه ۱۹۱۸ اعلام گردید، شکل نگرفته بود. احتمالاً آنچه در آن ایام موجبات نگرانی و واکنش ایرانی‌های ساکن باکو و حومه آن را، که در آن تاریخ دست کم ۵۰ هزار نفر برآورد شده‌اند، فراهم آورده بود، طرح موضوع استقلال آذربایجان ایران، به مناسبت نفوذ روزافزون حزب دموکرات به رهبری خیابانی بوده است. به این حقیقت در مقاله‌ای تحت عنوان «آذربایجان» که در شماره ۲ [۳ جمادی الاول ۱۳۳۶ / ۱۵ فوریه ۱۹۱۸] «آذربایجان جزء لاینفک ایران» درج گردیده، اشارت رفته است. در مقاله مذکور، که به قلم ف. علیقلی زاده - از ایرانیان عشق‌آباد و مدیر روزنامه مورد بحث - نوشته شده، پس از بحثی درباره عواقب و عوارض فوق‌العاده جنگ جهانی اول، که یکی از آنها هم سرنگونی هیکل مدهشه استبداد روسیه بود و خود نتایج مهمه دیگری چون اعلان خودمختاری و استقلال بعضی از سرزمین‌های تحت استیلای رژیم تزاری را به دنبال آورد، چنین آمده است:

«چنان که معلوم است، از آنجایی که بخشی از قفقاز از آذربایجان مجزا گردیده، فرقه مقتدری از مسلمانان قفقاز تشکیل یافته، با آرزوی «مختاریت آذربایجان» به فعالیت پرداخته است. این «مختاریت آذربایجان» هم بنا به افادات نویسنده آچیق سوژ [محمد امین رسول‌زاده] باعث سوء تفاهم شده، در قفقاز و آذربایجان هیاهوی بزرگی برانگیخت. چنان که خوانندگان محترم می‌دانند، چندی پیش در روزنامه تفلیسکی لیستوق جمله‌ای درج گردیده بود که گویا در تبریز، مرکز آذربایجان، حزبی پیدا شده که هدف عمده‌اش عبارت است از جدا کردن آذربایجان از ایران و تشکیل دیرکتوریایی [هیئت مدیره‌ای] به منظور اداره جداگانه آن جا و الخ...»^(۴)

همان جمله هم در پاره‌ای از روزنامه‌های ترک‌زبان قفقاز اقتباساً درج گردیده است. چنین انتشاراتی باعث تشویق و هیجان شدید ایرانیان، خصوصاً آذربایجانیان منتسب به حزب دموکرات ایران شده، ایرانیان ساکن باکو و نقاط دیگر قفقاز با مراجعت نامه‌های پر حرارتی خواستار توضیحاتی در این خصوص از حزب دموکرات شده‌اند. از اظهارات رابطه کمیته باکوی حزب چنین فهمیده می‌شود که ضمن دعوت مراجعه‌کنندگان به سکوت و آرامش، در این خصوص از کمیته آذربایجان حزب توضیح خواسته شده است.

اینک جواب خصوصی دریافتی کمیته باکو...

جواب کمیته آذربایجان

در پاسخ نامه‌تان باید بنویسیم که این احوالات چنان که در روزنامه‌های قفقاز نیز ملاحظه

می‌شود، اقدامات آذربایجانی‌ها (اشاره است به مطالب مندرج به نامه) سبب تأویلات و تفسیراتی در مملکت شده است. از طرح مسئله واهی مورد اشاره در روزنامه تفلیس‌سکی لیستوق و تکرار آن در آچیق سوژ چنین فهمیده می‌شود که اقدامات وطن پرستانه آذربایجانی‌ها به غلط به افتادن آنها به خیال مختاریت و تجزیه آذربایجان تعبیر کرده می‌شود و قیام بر ضد [دولت] تهران به تشکیل حکومت خودمختار و استقلال آذربایجان حمل می‌گردد! . . .

این اخبار به کلی مغایر حقیقت بوده و چنین تفسیراتی حائز پاره‌ای مضامین سیاسی است. کمیته ایالتی نمی‌تواند چنین شایعاتی را لاقیدانه تلقی نماید. به هم مسلکان محترم اکیدا اخطار می‌شود که باید چشم و گوش خود را باز کرده، متوجه و مواظب چنین شایعاتی پوچ و بی‌معنی بشوند و از جریان بیگانگان بی‌می‌دانند به دل راه ندهند. در کنفرانس ایالتی فرقه به آوازی بلند و طنین انداز در جهان اعلام کردند که «آذربایجان جزء لاینفک ایران» است، آذربایجان عضو مهم خانواده ایران است. . . .

منتهای آمال آذربایجانی‌ها احداث ایرانی است آزاد. مستقل، متحد و مقتدر. تشکیلات حزب دموکرات هیچ‌گاه از آمال ملیه خود غفلت نکرده، به تأثیر اجرای جریان‌های مخالف در مملکت میدان نخواهد داد. هیجان تبریز ناشی از اقدامات شایان تنقید صادر شده از تهران و رویاروی آن است. والا، تا دنیا دنیاست پرچم شیر و خورشید نشان در آذربایجان در اهتزاز خواهد بود. البته که احساسات آذربایجانی‌ها و نظریات آنها را در روزنامه تجدد مشروحا ملاحظه خواهید فرمود!

کمیته ایالتی آذربایجان فرقه دموکرات ایران

مکتوب شماره ۷۷، ۱۹ قوس ۱۳۳۶

اکنون از شرح مندرجات روزنامه تجدد، که دیگر زمانش گذشته، صرف نظر کرده، شمه‌ای از نظریات خودمان را بیان کنیم:

ما که خود آذربایجانی هستیم و می‌دانیم که علاقه و ارتباط سیاسی آذربایجان به ایران و روحیه‌اش به چه درجه‌ایست و از تاریخ حیات آن به نحو شایسته‌ای آگاهی داریم، می‌دانستیم که چنین انتشاراتی تنها از طرف بعضی خوش خیالان بی‌عقل و یافته‌انگیزان ظاهر گردیده است. . . .

آذربایجان روح ایران است، همان‌طور که بدن بی‌روح نمی‌تواند زنده بماند، از روح بدون بدن نیز کاری ساخته نیست، آذربایجان دست راست ایران است. بدن بدون دست با آن که به حالتی ناقص می‌تواند زندگی نماید، ولی دست بدون بدن نابود می‌گردد. خلاصه، مفتن‌های خوش خیال گرفتار افکار فاسده باید بدانند که فریفتن آذربایجانی و آلت دست کردن او و محو و لگدکوب نمودن حیثیت تاریخیه و شرف ملی‌اش چندان هم سهل و ساده نیست. . . .

آذربایجانی ملت نجیبه‌ای است خوش خلق، مهمان‌دوست و پرمرحمت که بر هر کسی اظهار

دوستی می‌کند، لیکن وقتی مسئله تابعیت به میان می‌آید همچنان که روزنامه تجدد گفته، آن کاری که از آذرده‌های قدیمی آذربادگان ساخته می‌شد، امروز دریغ است که از جوامع و مجامع آذربایجانی ساخته نشود. [آتش همان آتش و خاک همان خاک و مرد همان مرد و خون همان خون است که بود و هست] هر کس بخواهد آنها را از ایران جدا نماید، به دشمنی هیبتناک در برابر او بدل شده، دست یازندگان به چنین اقداماتی را از کرده پشیمان می‌کنند. . . .»

روزنامه مورد بحث که نامش برگرفته از یکی از اصلی‌ترین شعارهای دموکرات‌های آذربایجان بود، با کمیته ایالتی آذربایجان حزب دموکرات ایران و ارگان آن، تجدد، پیوند تنگاتنگ داشت و گذشته از آن که مطالبی از تجدد ترجمه و در آن درج می‌گردید، تجدد نیز گزارش‌هایی درباره «فعالیت‌های دموکرات‌های بادکوبه» و روزنامه «آذربایجان چاپ بادکوبه» منتشر می‌کرد.^(۵) بعضی از اعضا و وابستگان کمیته باکوی حزب دموکرات چون عبدالله عبدالله‌زاده فریور، شیخ باقر خرازی و علی اکبر اسکویی هم که در نتیجه پیش آمدن حوادث مارس ۱۹۱۸، که منجر به کشتار هزاران مسلمان به تحریک دانشناک‌ها و هم‌دستانشان شد، مجبور به ترک بادکوبه شدند، به تبریز آمده، به حزب دموکرات پیوستند و در جنبش خیابانی شرکت کردند. عبدالله‌زاده که پس از آن در تبریز ماندگار شد و به تدریس در مدرسه متوسط محمدیه و نویسندگی در تجدد و . . . پرداخت،^(۶) مدیر مدرسه اتحاد ایرانیان، رهبر سازمان دموکرات‌های ایرانی مقیم باکو و یکی از نویسندگان ارگان آنها بود. رساله «ایران دمیبول امتیازاتی» (امتیاز راه‌آهن ایران) یکی از نوشته‌های او بود که به طور پاورقی از شماره اول آذربایجان . . . تا شماره ۹ آن به چاپ رسیده است.

روزنامه مذکور که اکثر مقالاتش به زبان ترکی آذربایجانی و بعضی از آنها به زبان فارسی بود، خود را «ناشر افکار حزب دموکرات ایران» معرفی کرده، بر آن بود تا «عموم هموطنان خود را با اصول دموکراسی آشنا» نماید. گردانندگان آن مخصوصاً بر این نکته تأکید می‌ورزیدند که روزنامه می‌خواهد «کارگران و کسبه را به اقتضای عصر، معاصر کرده، در میان آنها به دایره علم و معارف توسعه دهد. [روزنامه] طرفدار فقیر کردن ثروتمندان و ضعیف کردن مقتدران نبوده، بلکه برعکس بر آنست تا به واسطه چاره‌جویی و گشودن راه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به ثروتمند شدن فقرا و مقتدر شدن ضعیفا کمک نماید و . . .»^(۷)

اگر چه برای ادامه انتشار روزنامه تدارکات لازم دیده شده و حتی چاپخانه‌ای به نام نوروز به منظور انتشار آن تاسیس گردیده بود، ولی پیش آمدن حوادث مارس در باکو انتشار آن را از شماره ۱۳ به بعد متوقف کرد.

اشاره به سازمان دموکرات‌های ایرانی باکو و ارگان آنها به جهت آغاز فعالیت‌های سیاسی و

نویسندگی جوادزاده با آنهاست. سلام‌الله جاوید که در آن دوره در مدرسه اتحاد ایرانیان، که اغلب اولیا و مریانش از اعضای اصلی سازمان مورد بحث بودند، تحصیل می‌کرده، جوادزاده را نیز، که از معلمان همان مدرسه بوده، از فعالان همان سازمان و جمعیت معارف ایران، که برای ترویج معارف به دایر کردن کلاس‌های شبانه و اجرای نمایش و... می‌پرداخت، به شمار آورده، خاطر نشان ساخته است که وی از بازیگران نمایشی تحت عنوان انتقام حقیقی بوده است.^(۸)

«میرجعفر (خلخال) سیدجوادزاده» پنج مقاله، در شماره‌های مختلف «آذربایجان جزء لاینفک ایران» به شرح زیر به چاپ رسانده است:

«معارف خدمت لازم‌دیر» (برای معارف خدمت لازم است)، ش ۱ (۲۱ بهمن ۱۲۹۶).

نویسنده در این مقاله می‌گوید که ملت ایران از سال‌ها پیش رو به انقراض نهاده است و اکثر عوام جامعه در برابر این مسئله بی‌تفاوت هستند. غالب افراد اقلیتی هم که به چاره‌جویی در پرداخته‌اند، به علت بی‌علمی نتیجه مطلوبی به دست نیاورده‌اند. آنها غالباً از سر ناآگاهی فریفته اظهارات عوام‌فریبانه سیاستمداران انگلیسی شده، اتحاد با انگلیس یا روس را عامل سعادت‌مندی دانسته و به بیراهه رفته‌اند. آنهایی هم که متوجه چاره حقیقی بوده‌اند، به علت جهل عمومی ناگزیر از فعالیت مخفی شده، با از خودگذشتگی به هدف رسیده، اداره حکومت را که نجات وطن بسته به آن است به دست ملت سپردند. لیکن متأسفانه ملت به علت بی‌علمی نتوانست استفاده شایسته‌ای از آزادی ببرد. در این میان خائنان منفعت‌طلب مردم را به نیرنگ فریفته، رشته امور را به دست گرفتند و دوستان و خادمان اصلی وطن و ملت باز ناگزیر از فعالیت مخفی شدند و روس و انگلیس به دست عوامل داخلی خود صدها فرزند در وطن را نابود کردند و بعضی را با تکفیر از میدان به در بردند. . . اینک انقلاب کبیر روسیه فرصت آن را پدید آورده است که آن نیروی مخفی دیگر بار به تدریج به فعالیت علنی پردازد. . . آنچه سبب انقراض مان شده، بی‌علمی است. اگر علم و معارف داشتیم مشروطه جوان‌مان آلت دست خائنان نمی‌شد. . . بدون علم نمی‌توان زیست. . . تا فقرا آگاه نشده‌اند، به حقوق‌شان همچنان تجاوز خواهد شد. . . علم شرعاً نیز برای انسان واجب شمرده شده است. طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه. . . برای زندگی کردن به علم نیاز داریم، برای زنده شدن به علم نیاز داریم و . . .

«نه وقت دئمک اولار کی ایران ایرانلی لاریندی؟» (کی می‌توان گفت که ایران از آن ایرانیان است؟)، ش ۳ (۳۰ بهمن ۱۲۹۶)

در این مقاله پس از اشاراتی به تأثیرات سوء استعمار و حکومت استبدادی و نظام خان‌خانی، تنها راه چاره تشکیل حکومتی مقتدر دانسته می‌شود. پدید آمدن چنین حکومتی هم تنها در پرتو اتحاد ملت ممکن است. از همین روست که حزب دموکرات ایران نجات ایران را در تشکیل چنین

حکومتی دانسته است. چنین حکومتی در ایران تنها با حکومت مشروطه عامه امکان پذیر است. اگر ایرانیان خواهان چنین حکومتی هستند، باید به حزب دموکرات پیوندند. در این صورت است که می توان گفت ایران از آن ایرانیان است.

«امید»، ش ۵ (۷ اسفند ۱۲۹۶)

یک قطعه ادبی است خطاب به فرزندان وطن که تنها امید دوارفتادگان از وطن به اتحاد و مبارزه آنها بسته است. بی وطن نمی توان زیست. ملت و ملیت تنها با وجود وطن پایدار می ماند.

«ترقی یولو آر مالی» (باید راه ترقی جست)، ش ۷ (۱۴ اسفند ۱۲۹۶).

در این مقاله یکی از موانع ترقی ملت ایران، یعنی سنت امتیازات شخصی و طبقاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به زعم نویسنده همین امتیازات دست و بال ملت را بسته، افراد آن را از ابراز لیاقت و خلاقیت باز داشته است. نجات ملت و از آن جمله حتی اعیان و اشراف در



گروهی از مجاهدان ارمنی
۱۹۰۸

گرو گشودن زنجیر اسارت و استبداد از دست رعیت است.

«انقراضه باشلا بیریق» (رو به انقراض می رویم)، ش ۹ (۲۱ اسفند ۱۲۹۶)

در این مقاله که به دنبال انتشار اخبار پیشروی نیروهای انگلیسی به سوی شمال ایران و قفقاز نوشته شده، به سیاست استعماری انگلیس در ایران، که وارد مرحله جدید تجاوز آشکار شده، پرداخته، اولاد وطن، که در گهواره غفلت با لالایی جهالت به خواب رفته، به بیداری و مبارزه با دشمن غدار فراخوانده شده اند. نویسنده خطاب به افراد ملت و احزاب سیاسی و سازمان های ملی هشدار داده است که اکنون نه تنها استقلال، بلکه موجودیت مان نیز در خطر نابودی است. اینک زمان ثبوت ادعاها فرا رسیده و میدان تجربه و عمل در پیش روست!

مقاله اخیر و پسین مقاله چاپ شده پیشه وری بود که در آن تاریخ، نام میرجعفر (خلخال) سید جوادزاده را در زیر نوشته هایش می گذاشت، در روزنامه آذربایجان... بود که دو هفته بعد

برای همیشه از انتشار بازماند و کمیته باکوی حزب دموکرات ایران نیز در همان ایام در کوران کشمکش‌های خونین باکو از هم پاشید.

در دوره ناصری مطبوعات فارسی برون‌مرزی در شهرهایی چون دهلی، کلکته، بمبئی، استانبول، تفلیس، لندن، قاهره، پاریس، کراچی و دکن منتشر می‌شدند، که از جمله آنها می‌توان به اختر، شاهسون، قانون، حکمت و حبل‌المتین اشاره کرد. مشهورترین روزنامه فارسی زبان در هند حبل‌المتین بود که در سال ۱۳۱۱ ه. ق در کلکته و به سردبیری سید جلال‌الدین مؤیدالاسلام انتشار یافت و قانون نیز در رجب ۱۳۰۷ به سردبیری ملک‌خان در لندن منتشر شد. هند نقطه آغاز انتشار مطبوعات فارسی زبان در گرجستان در سال ۱۸۳۰ دومین تجربه بود.^(۹) در ایران روزگار محمدشاه و ناصرالدین شاه تلاش روزنامه‌های درون‌مرزی یا «روزنامه‌های دولتی» حمایت از عقاید روشنگر و آزادی و ترویج اندیشه ترقی و قانون‌گرایی بود. افرادی چون محمدحسین فروغی، سیدجلال‌الدین مؤیدالاسلام و... همگی از روزنامه‌نگارانی بودند که از راه توجه و تمایل درونی و مطالعه نمونه‌های چاپی موجود با روزنامه‌نگاری آشنا شده و به آن پرداخته بودند.^(۱۰) در میان ایشان شاید ملک‌خان مشهورترین باشد.

روزنامه‌های برون‌مرزی که پیش از انقلاب مشروطیت منتشر می‌شدند از نافذترین و تاثیرگذارترین نشریات بر جنبش بود و نقش روشنگرانه بسزایی در جامعه ایرانی داشتند با صدور فرمان مشروطیت، در اندک زمانی، تعداد زیادی روزنامه و شب‌نامه منتشر شد. پس از امضای فرمان مشروطه و تنها در چند ماه باقی‌مانده سال ۱۳۲۴ ه. ق ۲۰ روزنامه در تبریز، تهران و چند شهر دیگر منتشر شد. این روند در سال ۱۳۲۵ ه. ق با شتاب بیشتری ادامه داشت به گونه‌ای که در این سال بیش از ۸۰ روزنامه در ایران منتشر می‌شد، تعداد روزنامه‌های عصر مشروطه تا سال ۱۳۲۷ ه. ق به حدود ۲۰۰ عنوان رسید.^(۱۱)

امان‌نایستی نفوذ و نقش روزنامه‌هایی که پس از انقلاب مشروطه در خارج از ایران انتشار می‌یافت نیز غفلت کرد، روزنامه‌هایی چون حبل‌المتین کلکته، صوراسرافیل، روح‌القدس، ملانصرالدین، آذربایجان و... نشریاتی بودند که همچنان علیه استبداد، رژیم قاجار، مناسبات ناهنجار اجتماعی و سیاسی و... به نگارش می‌پرداختند و تاثیر بسزایی در توده مردم و بخصوص روشنفکران می‌گذاشت.

این حرکت روزنامه‌نگاران و استقبال عمومی ملت ایران از آنان و روحیه استبدادستیزی ایرانیان - در میان دیگر ملل آسیایی - برای پذیرش و استقرار نظام مشروطه و حکومت قانون، بیانگر وجود زمینه برای گرایش به مدنیت، قانون و تحدید قدرت در این کشور است.

امروزه انتشار مطبوعات آزاد و گسترش رسانه‌های جمعی در پویایی و آگاهی مردم نقش فراوانی

دارد که امید است در آینده نه چندان دور به طور کامل عملی گردد.

اکنون نگاهی کلی به فهرست مقالات روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران» که در ۱۳ شماره ۴ صفحه‌ای منتشر شده است می‌پردازیم، لازم به ذکر است که بیشتر مقالات به زبان ترکی بوده و سعی شده حداکثر امکان فهرست مقالات به فارسی برگردانده شود. باشد که، در پویایی و روشنگری جامعه و آشنایی به تاریخ و گذشته کشورمان گامی برداشته باشیم.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در قفقاز) به سرپرستی حسن انوشه، تهران وزارت فرهنگ، ص ۱۷
- ۲- آخرین سنگر آزادی، رئیس‌نیا، نشر البرز، ص ۱۷-۲۵
- ۳- سلام‌الله جاوید، ایران سوسیال دموکرات (عدالت) فرقه سی حقیقده خاطره‌لریم، تهران ۱۳۵۹، ص ۱۰.
- ۴- در مورد نوشته خبرنگار روزنامه تفلیسکی لیستوق در رابطه با اعتراض دموکرات‌های آذربایجان به ترکیب دولت عین‌الدوله در ۱۸ صفر ۱۳۳۶ / ۱۲ قوس (آذر) ۱۲۹۶ ر. ک. علی آذری، شیخ محمد خیابانی، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ج ۴، ۱۳۵۴، صص ۵۸-۱۵۱.
- ۵- به عنوان مثال ر. ک: تجدد، ش ۷۳ (۱۹ بهمن ۱۲۹۶)، ش ۸۴ (۲۵ اسفند ۱۲۹۶) و ...
- ۶- رحیم رئیس‌نیا، «مدرسه محمدیه تبریز و تدریس مشروطه» فصلنامه گفت‌وگو، ش ۱۸ (زمستان ۱۳۷۶).
- ۷- آذربایجان جزء لاینفک ایران، ش ۱.
- ۸- جاوید، پیشین، صص ۸-۱۷
- ۹- سیدفرید قاسمی، سرگذشت مطبوعات ایران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۸۰، ص ۳۳
- ۱۰- محمد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، بعثت، ۱۳۷۵، ص ۵۷
- ۱۱- البته تعریف روزنامه در آن دوران با آنچه امروزه منتشر می‌شود متفاوت است، بسیاری از روزنامه‌ها تنها یک یا چند شماره منتشر شده‌اند و به جز چند عنوان که به صورت یومیه منتشر می‌شد مابقی به شکل هفته‌نامه یا گاهنامه ولی با ظاهر روزنامه چاپ می‌شدند و گروهی از روزنامه‌ها هم متعلق به مدارس جدیدی بود که با تاسیس مشروطیت متولد شده بودند مانند تمدن، کمال، پرورش و عدالت و ...

نمایه مطالب روزنامه آذربایجان جزء لاینفک ایران

سال	شماره	صفحه	فهرست مطالب
اول	۱	۱	یکشنبه ۲۷ ربیع الآخر ۱۳۳۶ / ۱۰ فوریه ۱۹۱۸
اول	۱	۱	مسلکمز (مرام و مسلک ما)
اول	۱	۲	رباعی / حسن ضیاء
اول	۱	۲	روزنامه و اهمیت آن (سید ه. ش)
اول	۱	۳ و ۲	آخر نچی امید (آروزی آخر)
اول	۱	۳ و ۲	داخلی سیاستده (سیاست داخلی)
اول	۱	۳	ایران دمیر یول امتیازاتی (امتیازات راه آهن ایران) / نویسنده: عبدالله زاده
اول	۱	۳	خارجی سیاستده (سیاست خارجی) / ف. علیقلی زاده / ادامه سیاست داخلی
اول	۱	۳	ایرالنک تجارتی (تجارت ایرانی) / روزنامه فرانسوی اکیپوزنانور
اول	۱	۴ و ۳	ایران حقنده (درباره حق ایران)
اول	۱	۴ آخرنچی تلگرافاتی ۲۷ ژانویه
اول	۱	۴	ادراه دن (از اداره)
اول	۱	۴	تلگراف خصوصی از سراب
اول	۱	۴	معارفه خدمت لازیمدر (برای معارف خدمت لازم است) / نویسنده: میر جعفر خلخالی - سید جوادزاده
اول	۱	۴	کشف الحقایق - یا اصلیت آذربایجان / نویسنده: آخوندزاده
اول	۱	۴	اخطار
اول	۲	۳ جمعه ۳ جمادی الاول ۱۳۳۶	
اول	۲	۱	نمایش
اول	۲	۱	آذربایجان
اول	۲	۲ و ۱	آذربایجان نومیته سنگ جوابی / نویسنده: ف. علیقلی زاده
اول	۲	۲	غزته مز بک تاریخ و تاسیس / نویسنده: حسن محسن زاده
اول	۲	۲	ایران دمیر یول امتیازی (امتیاز راه آهن ایران) / نویسنده: ع. عبدالله زاده
اول	۲	۳	صاحبسزله چاره (چاره‌های برای بی‌کسان) / نویسنده: غ. تبریزی
اول	۲	۳	«آذربایجان» ه خطاب به آذربایجان / نویسنده: عبدالله زاده
اول	۲	۳	بر ایضاج
اول	۲	۴ و ۳	لورد قروونک بیاناتی مناسبتیه / نویسنده: ف. علیقلی زاده

اول	۲	۳	رباعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۲	۴	حقیقت و افسانه / نویسنده: محمد شیرازی
اول	۲	۴	ملاحظات / نویسنده: ف.ی
اول	۱	۴	اشعار وطنی / نویسنده: کاظم علی زاده زنجانی
اول	۲	۴	به مناسبت نشر روزنامه آذربایجان / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۲	۴	اعلان
اول	۳	۴	اخطار
اول	۲	سه شنبه ۷ جمادی الاول ۱۳۳۶	
اول	۳	۲	فلاکتی جالور / نویسنده: ف. علیقلی زاده
اول	۴	۱	رباعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۴	۲	نه وقت دیمک اولار ایران ایرانی لاریندر (کی می توان گفت ایران برای ایرانیان است) / نویسنده: میرجعفر (خلخال) - سید جوادزاده
اول	۴	۳ و ۲	بر نیجه سوز (یک چند سخن) / نویسنده: اژدر علی زاده
اول	۴	۳ و ۲	ایران دمیر یول امتیازی (امتیاز راه آهن ایران) / نویسنده: ع. عبدالله زاده
اول	۴	۳	کرمانشاه لهلکه ده در (کرمانشاه در تلاطم و هلاکت)
اول	۴	۳	ایراندا جریان اوضاع (جریان اوضاع در ایران)
اول	۴	۴ و ۳	جریان اوضاع
اول	۴	۴	ملنلر محاربه سی (جنگ بین ملتها)
اول	۴	۴	دمیر یولنده (راه آهن)
اول	۳	۴	باکو خبرلری (اخبار باکو)
اول	۳	۴	اداریه مکتوب (نامه های رسیده به اداره روزنامه)
اول	۳	۴	خصوصی مخبر مزدن (خبرهای رسیده از گزارشگرمان) / نویسنده: ح.م
اول	۳	۴	الجهت تحت اقدام امهاتنا / نویسنده: میربدالدین سیدزاده
اول	۳	۴	اخطار
اول	۴	جمعه ۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۶	
اول	۴	۲ و ۱	بلای مبرم
اول	۴	۱	رباعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۴	۳ و ۲	رشتدن (از رشت)

اول	۴	۲ و ۳	ایران دمیر یول امتیازاتی (امتیازات راه آهن ایران) / نویسنده: ع. عبدالله زاده
اول	۴	۳ و ۴	حالت فلک زده گان قابل توجه است / نویسنده: جلیل زاده سلماسی
اول	۴	۴	ملاکین و یا مخبرین ایران / نویسنده: ه. ش. حسین زاده
اول	۴	۴	خطاب / نویسنده: رحیم رضازاده «عاصی»
اول	۴	۴	اداره مکتوب (نامه های رسیده به اداره روزنامه) / نویسنده: عزیز محمدباقرزاده
اول	۴	۴	احتکای مظلومانه / نویسنده: مصطفی علی زاده طهرانی
اول	۵	سه شنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۳۶	
اول	۵	۱	اعلان (آگهی)
اول	۵	۲ و ۱	فارانلق گونلریمز (روزهای سیاه و تاریکمان) / نویسنده: ف. علیقلی زاده
اول	۵	۱	ریاعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۵	۲	نتیجه مجالس و محافل / نویسنده: ح. م. عباس زاده مراغه
اول	۵	۲	عشق آباد مسلمان ضیالیلریمزک همملرنیک نتیجه سی / نویسنده: غلامحسین تقی زاده
اول	۵	۲ و ۳	ایران دمیر یول امتیازاتی (امتیازات راه آهن ایران) / نویسنده: ع. عبدالله زاده
اول	۵	۳	امید (آرزو) / نویسنده: میرجعفر (خلخال) سید جوادزاده
اول	۵	۳	ایران اوضاعی، ایراندار انگلیسلر (اوضاع ایران، انگلیسی ها در ایران)
اول	۵	۳	اورمیة دن یازیورلار (نوشته های از ارومیه)
اول	۵	۳	روس
اول	۵	۳	سرابدن بزه یازیورلار (از سراب برای ما می نویسند)
اول	۵	۳	اداره دن (از اداره)
اول	۵	۳	ملتلر محاربه سی (جنگ ملتها)
اول	۵	۴	مختلف خبرلر (اخبار مختلف)
اول	۵	۴	اعتذار / نویسنده: میرمحمد میرهاشم زاده
اول	۵	۴	فریاد و تحسر
اول	۵	۴	فقرايه اعانه (کمک به فقراء)
اول	۵	۴	پوچته قوطمز
اول	۵	۴	اخطار
اول	۶	جمعه ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۶	
	۶	۱ و ۲	انگلیس و ایران / نویسنده: ف. علیقلی زاده

اول	۶	۲	مراجعت / نویسنده: میر محمد میر هاشم زاده
اول	۶	۲	باز هم جهالت! / نویسنده: ع. جلیل زاده سلماسی
اول	۶	۲	آذربایجانده (در آذربایجان)
اول	۶	۲و۳	ایران اوضاعی، انگلیسیر ایراندا (اوضاع ایران، انگلیسی‌ها در ایران)
اول	۶	۳	انزلیده تحریکات (تحریکات در انزلی)
اول	۶	۳	آه! کیمسه سیزوطن (آه‌ای وطن بی‌یار و یاور) / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۶	۳	ظلمک آخری وارمی؟ / نویسنده: رحیم رضازاده
اول	۶	۳ و ۴	اداریه مکتوب (نامه‌های رسیده به اداره روزنامه)
اول	۶	۴	اوضاع داخلی (اوضاع داخلی)
اول	۶	۴	اشعار
اول	۶	۴	فقرا! به اعانه (کمک به فقرا) / نویسنده: حسین علی‌زاده
اول	۶	۴	گوگچای دان / نویسنده: محمدحسین رضازاده
اول	۶	۴	اخاطر
اول	۷		سه شنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۶
اول	۷	۱	اعلان
اول	۷	۱	اخطار
اول	۷	۲و۱	بیان‌نامه «وطن تهلکه ده در!» (بیانیه، وطن در شرف نابودی است)
اول	۷	۱	رباعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۷	۳و۲	آمال ما و انتظار صلاح / نویسنده: ع. ف
اول	۷	۳و۲	ایران دمیر یول امتیازاتی (امتیازات راه آهن ایران) / نویسنده: ع. عبدالله‌زاده
اول	۷	۳	آرزوسنده اولدیقیمز وطن (در آرزوی یک وطن) / نویسنده: ب. رضازاده
اول	۷	۳	اداره دن (از اداره)
اول	۷	۳	ایران اوضاعی، جنوبی پلیس علیهنه (اوضاع ایران، بر علیه پلیس جنوب)
اول	۷	۳	اردییلدن بزه یاز یورلار (از اردبیل برای ما می‌نویسند)
اول	۷	۴و۳	ملنتر محاربه سی (جنگ ملتها)
اول	۷	۴	باکو خبر لری (اخبار باکو)
اول	۷	۴	ترقی یولی، آرامالی / نویسنده: میر جعفر (خلخال) سید جوادزاده
اول	۷	۴	نه پار لایق، آرزولر! / نویسنده: حسن ضیاء

اول	۸	جمعه ۲۴ جمادی الاول ۱۳۳۶
اول	۸	۱ اعلان
اول	۸	۱ اخطار
اول	۸	۲ او انگلیس و ایران / نویسنده: ف. علیقلی زاده
اول	۸	۱ رباعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۸	۲ انفکاک قوه سیاسیت از قوه روحانیت
اول	۸	۲ رشتدن (از رشت) / نویسنده: حسن محسن زاده
اول	۸	۳ و ۲ وطن چه می گوید / نویسنده: ع. جلیل زاده سلماسی
اول	۸	۳ اردبیلدن (از اردبیل) / نویسنده: حسن صادقی
اول	۸	۳ ایران اوضاعی ، سرابدن (اوضاع ایران، از سراب)
اول	۸	۳ ایران دموکرات فرقه سنک فایرینفا تشکیلاتی / نویسنده: میرزا سیف‌الله ابراهیم زاده
اول	۸	۳ و ۳ زشت و زیبا / نویسنده: ع. ف
اول	۸	۴ اقبال السلطنه
اول	۸	۴ جدی بر اقدام (یک اقدام جدی)
اول	۸	۴ تبریزده (در تبریز)
اول	۸	۴ روسیه اوضاعی (اوضاع روسیه)
اول	۸	۴ فقرا به اعانه (کمک به فقرا)
اول	۸	۴ اظهار تشکر
اول	۸	۴ اعلان
اول	۸	۴ اخطار
اول	۹	سه شنبه ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۶
اول	۹	۱ البشاره / نویسنده: آخوندزاده
اول	۹	۲ او بشارت می؟ تعزیت می؟ / نویسنده: ف. علیقلی زاده
اول	۹	۳ و ۲ رشتدن، احتیاجات حقیقی (از رشت: احتیاجات حقیقی)
اول	۹	۳ و ۲ ایران دمیر یول امتیازاتی (امتیازات راه آهن ایران) / نویسنده: ع. عبدالله زاده
اول	۹	۳ انقراضه با شلیوریز (نابودی و انقراض را آغاز کردید) / نویسنده: میرجعفر (خلخال) جواد زاده
اول	۹	۳ ایران اوضاعی، ایراندا انگلیسلر (اوضاع ایران، انگلیسی‌ها در ایران)
اول	۹	۳ ملنلر محاربه سی (جنگ بین ملتها)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه جامع علوم انسانی

اول	۹	۳	باکو خبرلری (اخبار باکو)
اول	۹	۴ و ۳	خصوصی مخبریمزدن (خبرهای رسیده از گزارشگرمان) / نویسنده: آخوندزاده
اول	۹	۴	اداره به مکتوب (نامه‌های رسیده به اداره روزنامه)
اول	۹	۴	بعدالتحریر
اول	۹	۴	نارکینده کی اسرایه اعانه
اول	۹	۴	اعتذار / نویسنده: علی آخوندزاده
اول	۹	۴	فقرايه اعانه (کمک به فقرا)
اول	۹	۴	اعلان
اول	۹	۴	نمایش
اول	۱۰		جمعه ۲ جمادی الآخر ۱۳۳۶
اول	۱۰	۲ و ۱	انگلیس و ایران / نویسنده: ف. علیقلی‌زاده
اول	۱۰	۱	رباعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۱۰	۲	در مقابل اقدامات انگلیسیها دولت چه می‌کند؟ / نویسنده: حسین زاده
اول	۱۰	۲	باشاماق ایسترسن (آیا زندگی می‌خواهی) / نویسنده: عبدالرحیم یوسف‌زاده
اول	۱۰	۳ و ۲	ایران اوضاعی (اوضاع ایران)
اول	۱۰	۳	سرابدن بزه یاز بورلار (از سراب برای ما می‌نویسند)
اول	۱۰	۳	اردبیلدن (از اردبیل)
اول	۱۰	۳	اداره به مکتوب (نامه‌های رسیده به اداره روزنامه) / نویسنده: ب. رضازاده
اول	۱۰	۳	اداره دن (از اداره)
اول	۱۰	۳ و ۴	تازه پیر ده ایراتلیلار متینگی
اول	۱۰	۴	انفکاک قوه سیاست از قوه روحانیت / نویسنده: ر. عباس‌زاده
اول	۱۰	۴	فقرايه اعانه (کمک به فقراء)
اول	۱۰	۴	نارکینده کی اسرایه اعانه
اول	۱۰	۴	اخطار
اول	۱۰	۴	اعلان
اول	۱۰	۴	نمایش
اول	۱۱		سه سبه ۶ جمادی الآخر ۱۳۳۶
اول	۱۱	۱	اعلان

اول	۱۱	۱	بایرام اعانه سی (کمک‌های عیدانه)
اول	۱۱	۲ا	بو یله ده اولمالی ایدی / نویسنده: ف. علیقلی زاده
اول	۱۱	۱	رباعی / نویسنده: میر محمد میر هاشم زاده
اول	۱۱	۲	اخطار
اول	۱۱	۲	جریان اوضاع آستارا و یا حیات و اتفاق اهالی / نویسنده: ب.ع
اول	۱۱	۲	ایران اوضاعی، کابینه استعفا سی (اوضاع ایران، استعفا کابینه)
اول	۱۱	۳	انگلیسر اراجی (اخراج انگلیسیها)
اول	۱۱	۳	ترکیه و ایران
اول	۱۱	۳	نجف الاشرف واقعه سی (واقعه نجف اشرف) / نویسنده: نظام الدین نوری
اول	۱۱	۳	ملنتر محاربه سی (جنگ بین ملتها)
اول	۱۱	۳و۴	غفلت و جهالت ثمره لری (ثمره غفلت و جهالت) / نویسنده: غلامحسین تقی زاده
اول	۱۱	۴	اداره به مکتوب (نامه‌های رسیده به اداره روزنامه)
اول	۱۱	۴	سرابده (در سراب)
اول	۱۱	۴	بی چیز شاگرد لردن اونری لباس (لباس برای شاگردان فقیر)
اول	۱۱	۴	بالاجه قلبیه تون
اول	۱۱	۴	ایتوبدر (گمشده است)
اول	۱۱	۴	اعلان
اول	۱۱	۴	اخطار
اول	۱۲	۹	جمادی الاخر ۱۳۳۶
اول	۱۲	۱	اعلان
اول	۱۲	۱	رانوت (نام نمایش)
اول	۱۲	۲ا	قارا بایرام (عید سیاه) / نویسنده: حسن محسن زاده
اول	۱۲	۲	آقایان مسلمین / نویسنده: تقی صادق زاده
اول	۱۲	۲	ایران اوضاعی (اوضاع ایران)
اول	۱۲	۳و۲	خرقان اوضاعی (اوضاع خرقان)
اول	۱۲	۳	حوزه تشکیلاتی (تشکیلات حوزه) / نویسنده: یوسف حاجی زاده
اول	۱۲	۳و۴	حیرت و خطاب / نویسنده: رحیم رضازاده
اول	۱۲	۴	وحشت انگیز حادثه (حادثه وحشت آور) / نویسنده: س.ج. سید علی زاده

اول	۱۲	۴	قفقاز و روسیه اوضاعی (اوضاع روسیه و قفقاز)
اول	۱۲	۴	آلبرت اوردوسی (اردوی آلبرت)
اول	۱۲	۴	جلفا دن (از جلفا)
اول	۱۲	۴	باکو خبرلری (اخبار باکو)
اول	۱۲	۴	اخطار و تبریک
اول	۱۲	۴	اعلان
اول	۱۲	۴	اخطار
اول	۱۲		جمعه ۱۶ جمادی الآخر ۱۳۲۶
اول	۱۳	۱	اعلان
اول	۱۳	۲و۱	ایرانداه رژی مسئله سی (مسئله رژی در ایران) / نویسنده: حسن محسن زاده
اول	۱۳	۱	رباعی / نویسنده: حسن ضیاء
اول	۱۳	۳و۲	رشدن (از رشت)
اول	۱۳	۲	آذربایجانده (اورمی یالوو وقان در باسی)
اول	۱۳	۲	اوج نفرک تقریراتی (تقریرات سه نفر)
اول	۱۳	۲	آتوری لیرک بهانه سی
اول	۱۳	۲	جلو لرک شهره هجومی / نویسنده: میرزا علی آخوندزاده
اول	۱۳	۲	اورمی یالوولار ایچینده
اول	۱۳	۳و۲	جلولاریک رئیسلی
اول	۱۳	۳	ترکستانده (مرودن یزه یازیورلار (در ترکستان: نوشته‌های رسید از مرو)
اول	۱۳	۴و۳	آلمانلارک هجومی (هجوم آلمانیها)
اول	۱۳	۳	اورمیدن تبریزه (از ارومیه تا تبریز)
اول	۱۳	۳	آخرنجی خبر (خبر پایانی)
اول	۱۳	۳	جلولار النده بر روس عائله سی سنک قاجعه سی
اول	۱۳	۳	آتوری وحشیلیری
اول	۱۳	۳	قافقاسیا جبهه سنده (در جبهه قفقازستان)
اول	۱۳	۳	صلح اطرافنده (در کنار و نزدیک به صلح)
اول	۱۳	۴	ایران اوضاعی (اوضاع ایران)
اول	۱۳	۴	بایرام مناسبتیلله (به مناسبت عید)

اعانه لرك تفصیلی (گزارش كمكها و اعانهها)	۴	۱۳	اول
اينويدر (گمشده)	۴	۱۳	اول
اعلان (آگهی)	۴	۱۳	اول
اخطار	۴	۱۳	اول



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی